

«با گرگ‌ها می‌رقصد»؛ احیای سینمای وسترن



فیلم سینمایی «با گرگ‌ها می‌رقصد» به تهیه‌کنندگی کوین کاستنر و جیم ویلسون محصول سال ۱۹۹۰ کشور امریکاست.

فیلم سینمایی «با گرگ‌ها می‌رقصد»؛ به تهیه‌کنندگی کوین کاستنر و جیم ویلسون محصول سال ۱۹۹۰ کشور امریکاست. کارگردانی این فیلم وسترن را کوین کاستنر برعهده داشته است و مایکل بلیک فیلم نامه آن را نگاشته است. جان بری آهنگساز، دین سملر فیلم‌بردار و نیل تراویس تدوینگر این فیلم بوده‌اند. کوین کاستنر، مری مک دانل، گراهام گرین، رادنی گرانت، فلویید رد کرو وسترن، رابرت پاستورلی و چارلی راکت بازیگران این فیلم هستند. «با گرگ‌ها می‌رقصد»؛ با بودجه‌ای در حدود ۱۹ میلیون دلار تولید شد و فروشی بیش از ۴۴ میلیون دلار در سینماهای امریکا داشت.

داستان فیلم «با گرگ‌ها می‌رقصد»؛ درباره یک افسر مجروح و سرخورده ارتش شمالی‌های امریکا در خلال جنگ داخلی این کشور است. نام این افسر ستوان جان و. دانبار است. او دست به خودکشی می‌زند ام اقدام او به خودکشی را اشتباه عملی قهرمانانه تلقی می‌کنند و او را به پست مورد علاقه اش می‌فرستند - یک پست دیده بانی مرزی، دور از تمدن سفیدپوستان. دانبار پس از چند تجربه عجیب و غریب در آن جا، با یک گرگ دوست می‌شود و...

نخستین ساخته سینمایی کوین کاستنر، هنرمند هفته شبکه نمایش، از شاخص‌ترین آنها به حساب می‌آید که چرخ‌های زنگ زده سینمای وسترن را به حرکت مجدد واداشت. جنگ‌های استقلال آمریکا در قرن نوزدهم میان شمال و جنوب این کشور بارها و بارها دستمایه تولید آثار سینمایی با درجات کیفی مختلف قرار گرفت که در بسیاری از آنها تنها روی خود جنگ تمرکز شده و کشتار سرخپوستان شرق آمریکا را نادیده گرفته‌اند. مایکل بلیک که فیلمنامه این فیلم را براساس رمانی به همین نام نوشته، روی رابطه انسانی شکل گرفته میان سرباز دانبار و سرخپوست‌ها تاکید کرده و آن را در برابر سفیدپوستانی قرار می‌دهد که حتی هم نژاد خود را هم مورد آزار و شکنجه قرار می‌دهند. کاستنر و بلیک به خوبی روی رابطه میان آدم‌ها و نیز رابطه دانبار با گرگی تنها کار کرده و به آنها عمق بخشیده است. کاستنر در فیلمنامه «با گرگ‌ها می‌رقصد»؛ از استعاره به خوبی بهره گرفته و به همین خاطر هم روی دفتر خاطرات دانبار تاکید کرده که در جایی از فیلم در آب می‌افتند اما در انتها دو پسرچه که دفتر را از آب گرفته‌اند آن را به دانبار می‌دهند. بدین معنی که دانبار نمی‌تواند از گذشته اش فرار کرده و همواره باید با آنها کنار بیاید.

سینمای وسترن از گذشته تا به امروز همواره از نشانه‌های واحدی بهره گرفته که برای مخاطب کاملا آشنا به نظر رسیده و مفاهیم مورد نظر فیلمساز را بی کم و کاست به آنان منتقل می‌سازد. دشت‌های وسیع با آسمانی آبی در کنار اسب، اسلحه و سربازان مسلح، در با گرگ‌ها می‌رقصد فضای فوق‌العاده‌ای را به وجود آورده که گاه خیره‌کننده به نظر می‌رسد. کاستنر از این فضا به نفع داستان خود بهره گرفته و زمان طولانی فیلم را نیز از این طریق تا حدود زیادی تحمل پذیر کرده است. وی با وجود نداشتن تجربه کارگردانی، به شکل قابل توجهی از پس کار برآمده و صحنه‌های درخشان بسیاری را خلق کرده که به هیچوجه تصادفی و بر مبنای شانس به نظر نمی‌رسند.

«با گرگ‌ها می‌رقصد»؛ از آن دسته فیلم‌های قهرمان محوریست که در صورت درنیامدن قهرمانش، با سر به زمین سقوط کرده و هیچ عامل دیگری هم قادر به نجاتش نخواهد بود. اما این اتفاق در این فیلم نیفتاده و کاستنر چه به لحاظ بیرونی و چه به لحاظ درونی، روی نقش کار کرده و دانبار را به قهرمانی دوست داشتنی و جذاب برای مخاطب تبدیل کرده است.

این فیلم در مراسم اسکار بسیار موفق عمل کرده و هفت اسکار از جمله بهترین کارگردانی را نصیب کوین کاستنر کرد که کاملا مستحق دریافت آن به نظر می‌رسید. «با گرگ‌ها می‌رقصد»؛ از معدود فیلم‌های تاریخ سینمای امریکاست که نگاه همدلانه‌ای به

قبایل سرخپوست داشته که روی قتل عام آنها توسط قوای ارتش این کشور تاکید ورزیده و این کار را به شکل تاثیرگذاری هم انجام داده است.

فیلم #171 با گرگ‌ها می‌رقصد؛ روز دوشنبه ساعت ۲۱ و تکرار آن روز بعد ساعت ۱۱ از شبکه نمایش پخش خواهد شد.